



عملیاتی نیستیم به کارگردانی رضا درمیشیان

مروری گذرا بر بازنمایی انتخابات در سینمای ایران

جنب‌وجوش‌های جامعه‌که اکران نشد

ابراهیم جمشیدی

دگرگونی مفهومی شده و این مفهوم ثابت نبوده است. زمانی انتخابات صرفا تکلیف شرعی بود و زمانی حضور در انتخابات به معنای پسندیدن و نپسندیدن کسی بوده و حتی گاهی حضور در انتخابات وجه نمادین پیدا کرده و بررسی نتایج مبارزه انتخاباتی مشغول می‌شود. این کاندیدا در زندگی شخصی‌اش با مشکلاتی از قبیل بیماری فرزند، ناسازگاری همسر و مخالفت‌های پدرش مواجه است اما اینها مانع از اهداف سیاسی وی نمی‌شود. سرانجام روز انتخابات فرامی‌رسد و طی شمارش آرا مشخص می‌شود او جمعاً ۱۹۳۶رای آورده است. سلیمانی در مراسم افتتاح مجلس شرکت می‌کند و به تماشای نخستین جلسه مجلس می‌نشیند. این فیلم که یک اثر مستند داستانی است براساس یک ماجرای واقعی ساخته شده است و بازیگر آن نیز همان کارگری است که در سال۵۸ کاندیدای مجلس اول شد و ۱۹۳۶رای به خود اختصاص داد. او همراه با خانواده و بسیاری از دوستانش در این فیلم بازی کرد و بخشی از سخرانی ابوالحسن بنی‌صدر به مناسبت افتتاح مجلس نیز که به‌طور مستند فیلمبرداری شده در آغاز فیلم آمده است. با اینکه «۱۹۳۶» به‌عنوان فیلم افتتاحیه نخستین جشنواره فیلم جمهوری اسلامی ایران (میلاد) انتخاب شده بود، ولی با توجه به خلع ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت ایران که بخشی از سخرانی او به مناسبت افتتاح مجلس در آغاز فیلم آمده بود در جشنواره به نمایش درنماید و در اسفند سال۵۹ نیز به فیلم به‌دلیل «تبلیغ برای گروه‌های مارکسیستی و الحادی و عدم انطباق با معیارهای اسلامی» اجازه نمایش به دست نیاورد.

این سرنوشت فیلم ۱۹۳۶ و اوضاع خاص سیاسی در آن برهه زمانی باعث وقفه و فاصله طولانی ۱۸ساله در ساخت فیلم با موضوع انتخابات شد. مهرداد دانش در مطلبی با عنوان «بازتاب انتخابات در آینه سینمای ایران» به بررسی ۱۲فیلمی پرداخته که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ موضوع انتخابات را در آثار خود برگزیده‌اند. در پاسخ به اینکه این فاصله معنادر ۱۸ساله بین ساخت فیلم۱۹۳۶ به‌عنوان اولین فیلم

درباره انتخابات تا فیلم بعدی یعنی تست دموکراسی از کجا ناشی می‌شود و اینکه در آن ۱۸سال نخست چه نوعی وجود داشته که در هشت‌سال بعد با رفع آنها ساخت فیلم‌های سیاسی درخصوص انتخابات مسیری هموارتر یافته است، یک پاسخ را در فضای خاص آن ۱۸سال می‌داند. فضای بحران‌زده که عواملی نظیر توطئه ضدانقلاب، جنگ‌تحصیلی و دوران سازندگی (که به‌دلیل گفتمان توسعه اقتصادی راه را بر مباحث دیگر بسته بود) جایی برای گستره سیاست‌های تثبیت‌شده‌ای نظیر انتخابات باقی نگذاشته بود. در حالی که هشت‌سال بعدی بنابر اقتضائاتی که از اهداف دولت اصلاحات نشأت می‌گرفت، توجه به مسائل اجتماعی سیاسی یکی از محورهای سینمای ایران شد و حاصلش تولید ۱۲فیلم درباره انتخابات در عرض هشت‌سال بود. از سویی دیگر سیدمحمد بهشتی که سابقه مدیریت ۱۰ساله بنیاد سینمایی فارابی را به‌عنوان مسئولیتی جدی در سینمای ایران در کارنامه دارد در گفت‌وگویی چنین بیان داشته است: انتخابات در تمام سال‌های بعد از انقلاب دچار



آشغال‌های دوست‌داشتنی به کارگردانی محسن امیر یونسفی

دگرگونی موضوع اصلی فیلم «جدایی نادر از سیمین» همین نزاع طبقات اجتماعی است. جنگ پنهانی که گاهی در واقعیت بیرون از فیلم علنی و افشا می‌شود؛ مثل اتفاقاتی که بعد از انتخابات ۸۸ رخ داد. یعنی در خیابان‌ها، کسانی که این سو ایستاده بودند، غالباً از طبقه متوسط و کسانی بودند که نگاهی به آینده و نوشدن داشتند و کسانی که در مقابل آنها می‌ایستادند بیشتر متعلق به طبقه سنتی بودند و آنها گروه‌های روبه‌رو را کسانی می‌دیدند که با اصول اخلاقی و اعتقادی آنها مخالفند. درواقع یک جنگ خیابانی بین این دوطبقه اتفاق افتاد؛ از این منظر می‌توان گفت فیلم واکنش تصویری از آن جریان است و این دو خانواده نمونه‌ای هستند از انواع خانواده‌هایی که در هر طبقه وجود دارند. بازخوانی اجمالی از این ۲۷ فیلم و یک تحلیل محتوایی گذرا درباره ارتباط سینمای ایران و انتخابات را می‌توان در چندمحور زیر جست‌وجو کرد:

- در بسیاری از فیلم‌ها انتخابات مسئله‌ای حاشیه‌ای است نه اصلی، این نشان می‌دهد که نباید تنوع موجود را با تعدد فیلمسازان یکی دانست. اگر به همین چند اثر سیاسی ساخته‌شده، دقیق‌تر بنگریم، درمی‌یابیم که در این آثار بیشتر به مسائل سطحی توجه شده است، تا به سیاست به معنای دقیق و واقعی کلمه. اکثر فیلمسازان ترجیح می‌دهند به‌ه موضوعاتی چون عشق، اجتماع و جنگ و... فکر کنند تا به مضامین سیاسی و نتیجه آنکه، ما فیلمساز سیاسی کم داریم، علت را نیز باید در محورهایی از قبیل کم‌سوادی فیلمسازان در حوزه سیاست، حس ناامنی شغلی در صورت پرداختن به این مضامین و سهل‌الوصول‌بودن سایر موضوعات که امتحان خود را پس داده‌اند، جست‌وجو کرد.

- تعداد بسیار کمی از فیلمسازان روی بحث انتخابات متمرکز شده‌اند. رخشان بنی‌اعتماد با چهارفیلم «زیرپوست شهر»، «روزگار ما»، «ما نیسی از جمعیت ایرانیتم»، «قصه‌ها»، محسن مخملباف «کارگردانی و طرح داستان» با سه‌فیلم «پنج‌عصر»، «رای مخفی» و «تست دموکراسی»، ابوالقاسم طالبی با دو فیلم «آقای رئیس‌جمهور» و «قلاده‌های طلا» و کمال تبریزی با دوفیلم «مارمولک» و «خیابان‌های آرام» بیشترین سهم را داشته‌اند.

- سهم فیلم‌های مستند نسبت به فیلم‌های بلند سینمایی در پرداختن به مسئله انتخابات بسیار کم است. مستندهای «رئیس‌جمهور میرفتبر»، «روزگار ما»، «ما نیسی از مردم ایرانیم» از این معدود ساخته‌ها به‌شمار می‌آیند. - شش‌فیلم «۱۹۳۶»، «گزارش یک جشن»، «خیابان‌های آرام»، «قصه‌ها»، «آشغال‌های دوست‌داشتنی» و «عصبانی نیستم» هنوز موفق به اکران عمومی نشده‌اند.

- ساخت فیلم تبلیغاتی نامزدهای ریاست‌جمهوری برای برخی از کارگردانان سینمای ایران شگون داشته و به‌ه حضور آنها در رأس همد مدیریت سینمای ایران انجامیده. در سال۷۶ زنده‌یاد سیف‌الله، مستریم سازندگان فیلم تبلیغاتی پیروز انتخابات (سیدمحمد خاتمی) بود و او هم چند ماه بعد بر صندلی معاونت سینمایی وزارت ارشاد تکیه زد. در سال۸۴ نیز نامزد پیروز این‌دوره محمود احمدی‌نژاد بود و سینماگر همراهش یعنی جواد شمقدری به‌عنوان مشاور هنری او همراهش شد. چهارسال بعد و پس از پیروزی مجدد احمدی‌نژاد، شمقدری هم راهی ساختمان وزارت ارشاد و معاونت سینمایی این وزارتخانه شد.



اثرابرنبرگر به کارگردانی سمود معفری جوزانی

زاویه

یک مفهوم

تلویزیون: راهنمای گام‌به‌گام انتخاباتی

عماد پورشهریاری

نمایش فینچر و دوستان نام‌آشنایش از سیاست‌های داخلی و خارجی کاخ سفید، شاید به نگاه از دید بییل کلیتون برابر با حقیقت است. یعنی تمام قتل و خونریزی‌های جناب آندروود در مقام پرزیدنت آمریکا، بازی‌های کثیف سیاسی‌اش با هم‌حزبی‌های دموکراتش و زدونده‌هایش با اعضای حزب رقیب، در کنار رسوایی‌های اخلاقی او که در سریال می‌بینیم، تا چه اندازه با واقعیت منطبق است؟ بیل کلیتون مدعی‌شده: «۹۹درصد از آنچه در سریال خانه پوشالی می‌گذرد، واقعی است.» تاکنون سه‌فصل از این سریال منتشر شده و در این آخری، آندروود به بالاترین مقام اجرایی آمریکا رسیده. بیشتر داستان این فصل مربوط به روابط آمریکا و روسیه و مذاکرات فشرده دورئیس‌جمهور برای رسیدن به تفاهمی است که قرار است حاصلش صلح در خاورمیانه باشد. در بخش دیگر پرزیدنت، آندروود درگیر تصویب طرح جامع انتقال در مجلس سنای آمریکاست؛ طرحی که با مخالفت شدید جمهوری‌خواهان روبه‌رو می‌شود و در نهایت، ضلع سوم داستان که حضور نه‌چندان قدرتمند بانوی اول، کلر آندروود را به‌عنوان سفیر آمریکا در سازمان‌ملل نشان می‌دهد، خاتم سفیر قرار است مذاکره با اسرائیل را در طرح صلح هموار کند و از طرفی مانع دخالت‌های فرانسه و سایر کشورهای اروپایی در مسائل درگیر شود؛ امری که البته در آن ناکام می‌ماند و منافع متفاوت کشورها مانع تقاهم مشترکی می‌شود. اما در «خانه پوشالی» همه این‌ا ضلاع به سمت هدفی خاص نشانه رفته است: انتخابات ریاست‌جمهوری و تعدید حضور آندروود به‌عنوان ساکن کاخ سفید برای چهارسال دیگر. آندروود سبب جلب رای آمریکایی‌ها سعی می‌کند کارنامه‌ای برای خود ایجاد کند و چه زرومه‌ای بهتر از ایجاد اشتغالی میلیونی، تقاهم با دشمن همیشگی، روسیه و ایفای نقش موثر در خروج از گرداب خاورمیانه. این تنها حضور انتخابات در تلویزیون نیست، سریال‌های زیادی در حاشیه و متن کمپین‌های انتخاباتی حرکت کرده و داستان‌های مختلفی ساخته‌اند. اما همه این سریال‌ها در یک نقطه به اشتراک می‌رسند. در تمام این آثار و در کنار درام داستان‌هایشان اهمیت پایگاه‌های قدرت برنگ می‌شود؛ برای مثال، نقش گروه‌های مذهبی و رنگین‌پوستان در انتخابات فرمانداری در سریال «همسر خوب» CBS یا نقش تی‌پارتی‌ها در سریال پایان‌یافته «اتاق خراب» در همسر خوب، داستان ایالتی برای تصاحب صندلی فرمانداری و حرکتش به سوی کاخ سفید، باید رضایت کاتولیک‌های شیکاگو را کسب کند و چه بهتر که به سراغ کشیشی سباه‌پوست برود تا تعداد رای‌هایش چونان شود، یا برای جذب منابع مالی ناچار است به سراغ یهودیان سرمایه‌دار برود و در سخرانی‌هایش از اسرائیل حمایت کند تا هزینه کمپین تبلیغاتی‌اش تأمین شود. همین‌طور در «اتاق خبر» HBO، رسانه‌ها به‌عنوان عامل جهت‌دهی افکار عمومی نقش اول سریال سه‌فصلی آرمونی جاش برادشور می‌کنند. مراکز قدرت و سرمایه به روایت سیاسی سریال‌های آمریکایی: وست وینگ، وایر، هوملند، رئیس و... مراکز مشترک و شناخته‌شده‌ای هستند، طبق این روایت بیشتر تلاش‌های دولتمردان در سال‌های نزدیک به انتخابات به صندوق‌های رای ارتباط پیدا می‌کند. اگر لایحه‌ای در سنا مطرح می‌شود، برای کسب افکار عمومی است، اگر سنا اصرار دارد لایحه‌ای تصویب نشود، احیاناً فکر می‌کند افکار عمومی را رد آن بیشتر همراه است، اگر قرار است گره‌گشایی در مسائل بین‌الملل رخ دهد، ایجاد کارنامه منظر است و اگر قرار است به اقلیتی توجه شود چرا به اقلیت‌های سرمایه‌دارتوجه نکرد. این همان ۹۹درصدی است که به نظر می‌آید با واقعیت انطباق دارد.

نگاه

تصویر انتخابات در هالیوود

میان‌مایه‌ها، احق‌هاودورروها



ساسان گلر

«وقتی یک نفر با کلماتی به شیرینی عسل اما افکاری زهرآگین عوام را می‌فرسید، کشور را بدبختی فرامی‌گیرد». کلمات اورپیید در نمایشنامه «اورست»، دوهزار و ۵۰۰سال پس از دموکراسی کهن آتن همچنان طنین خود را حفظ کرده و به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع دموکراسی مدرن مطرح است. بدبینی فراگیر نسبت به سنت رایج رای‌گیری و انتخابات که در بسیاری از آثار سینمایی به‌ویژه فیلم‌های انگلیسی‌زبان دیده می‌شود، ریشه‌ای عمیق در ادبیات غرب دارد. آریستوفان، طنزنویس آتنی هم‌عصر اورپیید می‌گفت: «برای آنکه دل مردم را به‌دست بیاوری، خوراک شور و تند یبز که خوششان بیاید». گی دو مو پاسان، نویسنده فرانسوی درباره پاریس قرن نوزدهم نوشت: «لشکری از میان‌مایگان می‌بینی و پشت سرشان توده‌ای از احق‌ها. وقتی میان‌مایه‌ها و احق‌ها اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دهند، غیرممکن است که یک حاکم هوشمند را انتخاب کنند». اما یکی از بدبینانه‌ترین نگاه‌ها در مورد رای‌گیری و انتخابات را در داستان «میکر سبز» (دالان محکومان) استیون کینگ می‌توان دید که ماخذ فیلم هالیوودی مشهوری به همین نام بوده است: «می‌دانی، مردم عاشق آدم‌های دورو هستند- چون تشخیص می‌دهند که یک نفر مثل خودش است. و همیشه هم کیف می‌کنند از اینکه خودش جای آن یک نفر نیستند که عاقبت رسوا شده و در وقیح‌ترین حالت گیر افتاده است». رای‌گیری و انتخابات چنان در تاروپود سنت فیلم‌سازی هالیوود تنیده شده که فهرست‌کردن فیلم‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به این مضمون پرداخته‌اند، غیرممکن است. اگر بخواهیم همه فیلم‌هایی را که به‌نحوی بحث رای‌گیری را در موقعیت‌های مختلف مثل زندان، کاروان وسترن، سرقت، دداگاه و... مطرح کرده‌اند و آتهایی که انتخابات مستقیم در نهادهایی مثل مدرسه (کمدی «انتخابات» الکساندر پین-۱۹۹۹). شهرداری («اتلار شفر» هرولد بکر- ۱۹۹۶ یا «شهر ویران» آلن هیوز ۲۰۱۳)، کنگره و سنا («آقای اسمیت به واشنگتن می‌رود» فرانک کاپرا- ۱۹۳۹) یا نظام قضایی («شب بر منهن فرمی‌افتد» سیدنی لومت- ۱۹۹۶) را زیر ذره‌بین برده‌اند و سریال‌های تلویزیونی (مانند «دست راستی» که از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ پخش شد) و مستندها را به‌کلی کنار بگذاریم و فقط به تصویر انتخابات ریاست‌جمهوری واقعی یا تخیلی در فیلم‌های داستانی آمریکایی بپردازیم، بازهم نمی‌توانیم به فهرست جامع و کاملی برسیم. فقط با نگاهی به اسامی و مضامین مشهورترین این فیلم‌ها در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که نگاه طنزآمیز، هجوآمیز، بدبینانه و گاه تلخ و تندتیز بر تصویر ستایشگرانه و آرمانی در این حوزه می‌چربد. مضمون دموکراسی و انتخابات در همان اولین آثار سینمای داستانی خود را نشان داد. «تولد یک ملت» دیدید وارک گریفیث، محصول ۱۹۱۵، از نمونه‌های اولیه بود که در جریان سی‌وسومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال۱۹۱۶ به طی آن وودرو ویلسن، بیست‌وهشتمین رئیس‌جمهور ایالات‌متحده برای بار دوم به قدرت رسید، تاریخ‌ساز شد. چارلز فاستر کین، قهرمان تخیلی «همشهری کین» (اورسن ولز- ۱۹۴۱) از مشهورترین آثار کلاسیک تاریخ سینما در سال۱۹۱۶ انتخابات فرمانداری نیویورک را باخت و مسیر سقوط را در پیش گرفت. این مضامین در آثار جان فورد حضور مشخصی داشت: از جمله در «آخرین هورا» محصول۱۹۵۸ که داستان یک‌سیاست‌مدار پیر ایرلندی‌تبار و آخرین تلاش او برای انتخاب مجدد به مقام شهرداری می‌پرداخت و «مردی که لیبرتی والاس را کشت» در سال۱۹۶۲ که با نگاهی نمادین به انتخابات شورای شهر، مرگ خونسوت را به تولد دموکراسی گره زد. بارزترین جلوه انتخابات در آثار هالیوودی، طبیعتاً به فیلم‌های بی‌شماری مربوط می‌شود که به زندگی رئیس‌جمهورهای آن کشور در دوقرن گذشته پرداخته‌اند و تقریباً زندگی تمام آنها و روند انتخاب‌شدنش‌ان را بارها تصویر کرده‌اند. از ابراهام لینکلن (۱۹۵۰) تا «لینکلن در لیبنکلن» (۱۹۳۰)، «ایب لینکلن در ایلینوی» (۱۹۹۰) تا «لینکلن» (استیون اسپیلبرگ- ۲۰۱۲) تا آثار متعدد سیاسی‌ترین فیلم‌ساز هالیوود، الیور استون در مورد «نیکسون»، جان اف‌کندی در «جی.اف.کی.» و جرج یوش در «دبلیو». اما فقط رئیس‌جمهورهای آمریکایی مثل «ترومن» (فرانک پرینس- ۱۹۹۵) و «ویلسن» (هنری کینگ- ۱۹۴۴) نبودند که توجه هالیوود را به خود جلب کردند، نخست‌وزیرهای انگلستان مثل چرچیل در «وینستون چرچیل» (ریچارد اتنبورو- ۱۹۷۲) و مارگارت تاچر در «بانوی آهنین» (فیلیدا لوج- ۲۰۱۱) و سازوکار انتخاباتی‌ای که به پیروزی آنها منجر شد و رهبرانی مانند نلسون ماندلا در «راه‌طولانی آزادی» (جاستین چدویک- ۲۰۱۳) نیز جایگاه خود را داشتند. گذشته از فیلم‌هایی که مانند «سیربجکی» (ریچارد لینکلنتر- ۲۰۱۴)، «پیشخدمت» (لی دینلز- ۲۰۱۳)، «میلک» (کریس نونت- ۲۰۰۸) و «سلمو» (آوادورنی- ۲۰۱۴) که مقاطعی از تاریخ کنش‌های انتخابات برگزارشده در آن دوره را به شکل‌های مختلف به تصویر کشیدند، فیلم‌هایی نیز انتخاباتی کمابیش تخیلی را دستمایه قرار دادند و نگاه اغلب تلخ یا تند و طعنه‌آمیز خود را به آن انداختند. مارتین اسکورسیز در «راننده تاکسی» (۱۹۷۶) قهرمان درام خود را در حاشیه یک انتخابات به حرکت درآورد؛ هال اشی در کمدی «حضور» (۱۹۷۹) پیتر سلرز ازناک‌آمجه‌ها را به قلب واشنگتن کشاند؛ جرج کلونی در «بنیمه ما هاسراس» (۲۰۱۱) حزب خود را از تازنامه‌ای تراج کرده تا از اندیشه‌ها، رابرت ردفورد در «کاندیدا» (مایکل ریچی- ۱۹۷۲) نظم مستقر را به خطر انداخت؛ داستین هافمن و رابرت دنیرو در «سگ را بجنبان» (بری لونسین- ۱۹۹۷) جنگ قلبی به راه انداختند؛ رایسین ویلیامز کمدین در «مرد سال» (بری‌لونسین- ۲۰۰۶) با خطای کامپیوتر تا کاخ سفید رفت؛ کریس راک در «رئیس کشور» (۲۰۰۳) جانشین نامزد ریاست‌جمهوری شد؛ کوین کاستنر در «رای شناور» (جاشوا میلک استرن- ۲۰۰۸) هردو حزب را روی لگشت خود چرخاند و ویل فرل و زک کالینفیندر باقی جامعه یا بخشی از آن در دوره‌ای خاص است. میشل سیتا در کتاب «روای آمریکایی» نوشته: «سینمای آمریکا در زمینه ایدئولوژی چیزی اختراع نکرده است، حتی برعکس، همیشه تلاش کرده تا از اندیشه‌ها، شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و اماکنی که قبلاً خوب امتحان پس داده‌اند، از نو استفاده کند.» (نشر چشمه، ۱۳۸۶، ترجمه نادر تکمیل‌همایون، صفحه ۱۴) این تصویر، هر چه هست، بازتاب دیدگاهی جمعی است حتی اگر محصول نظامی ظاهراً فردگرا باشد. و این‌طور که پیداست، در زیر پوسته‌ای از خوش‌بینی رایج آمریکایی، نگاه بدبینانه ۲۵ قرن پیش همچنان به قوت خود باقی است.